فهرست مطالب

[خطبه اول 1](#_Toc426048328)

[اخلاق و تربیت اسلامی 2](#_Toc426048329)

[تربیت اخلاقی و معنوی 3](#_Toc426048330)

[حساسیت تربیت در دوره کودکی 3](#_Toc426048331)

[تربیت و اخلاق در روایات 4](#_Toc426048332)

[جمع‌بندی: 5](#_Toc426048333)

[خطبه دوم 5](#_Toc426048334)

[سید محمد باقر صدر 6](#_Toc426048335)

[شرح از زندگی شهید صدر 6](#_Toc426048336)

[استعداد و نبوغ سرشار شهید صدر 6](#_Toc426048337)

[شهید صدر در نجف اشرف 7](#_Toc426048338)

[شهید صدر در مسائل اقتصادی 9](#_Toc426048339)

[نامه صدام به شهید صدر 9](#_Toc426048340)

# خطبه اول

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا[[1]](#footnote-1) ثمّ الصلاة والسلام علی سیدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابا القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و بعلی بن محمد والحسن بن علی والخلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیع علی‌ام من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهّزوا عبادالله فقد نودیه فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فأنّ الخیر زاد التقوی.**

# اخلاق و تربیت اسلامی

یکی از اصول مهم برای تربیت، ایجاد روابط عاطفی و محبت‌آمیز با دیگران است. این اصل و قاعده اخلاقی است که در آیات و روایات به آن مأمور شده‌ایم که به‌عنوان مؤمن با دیگران الفت و انس برقرار کنیم و اهل معاشرت نیکو و روابط سالم در جامعه باشیم. به‌جز جاهایی که خود خداوند انسان‌ها را مأمور کرده که روابط را قطع کنند.

اخلاق و تربیت اسلامی، با ویژگی و بُعد متعالی خود و به‌موجب برتری که بر دیگر مکاتب اخلاقی دارد، تضمین‌کننده سعادت انسان‌ها در همه عصرها و ره‌توشه همه ره پویان راه کمال است و فراگیری علمی و خلق عملی به آن، یکی از فرایض اولیه در کنار «شرایع و عقاید» به شمار می‌آید. از این رو در نظام فرهنگی اسلامی ما ضرورت است به شیوه علمی و منطقی در چارچوب برنامه‌های آموزشی و تربیتی به طور جدی به دانش پژوهان ارائه گردد و در شکل گیری اخلاقی و تربیتی این نسل، که سازنده تاریخ آینده جامعه اسلامی است، جدیت و اهتمام شود و عملاً مورد عنایت و توجه قرار گیرد تا در تمام ابعاد حیات مادی و معنوی امت ما مؤثر و سرنوشت ساز باشد.

ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان، اولین و مهم‌ترین زمینه رشد و پرورش اخلاقی نونهالان است.
بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن تربیت و کیفیت پرورش اخلاقی کودکان را می‌توان مورد ارزیابی و دقت قرارداد، همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده با یکدیگر است. به همین اعتبار، خانواده را امروزه به سیستم ارتباطی تعریف می‌کنند که سلامت جامعه، بازتابی از سلامتی سیستم ارتباطی خانواده است، زیرا جامعه سالم، بدون روابط سلام درون خانواده‌ها امکان‌پذیر نیست.

نظام تربیتی اسلام هم از جنبه «جامعیت» ـ که به همه ابعاد و جلوه‌های نیازهای عاطفی و روش‌های پرورش انسان نظر می‌گسترد ـ و هم از جنبه «واقع‌گرایی» ـ که در عینیت جامعه حضور دارد و همه ضرورت‌ها و بایدها و نبایدهای تعلیم و تربیت را مشاهده می‌کند و لمس می‌نماید ـ مادران و پدران را در کنار هم در پرورش کودکان و نوجوانان سهیم و دارای نقش و اثر می‌داند و هرکدام را به‌گونه‌ای و با کمیت و کیفیت و زمان‌بندی و روشمندی خاص به این مسئولیت مهم و حیاتی می‌گمارد.

# تربیت اخلاقی و معنوی

تربیت اخلاقی و معنوی از موضوعات بسیار مهم و از عوامل اصلی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که چنانچه در این امر حیاتی قصور و تسامح شود حیات سالم و بالنده انسان در تمام مراحل و دوره‌های کودکی نوجوانی جوانی و بزرگ‌سالی به خطر می‌افتد و مشکلات و موانع فراوان رخ می‌نمایانند و رکودها و جمودها از یک‌سو و بیراهه‌ها و مالک از سوی دیگر رشد و کمال و سعادت آدمی را مختل می‌کنند و همین‌جاست که ضلالت و گمراهی و فساد و تباهی نیز چهره ظاهر می‌سازد و باندهای مخرب برای آلوده کردن جوانان و بهره‌برداری‌های مختلف از آنان به دام‌گستری می‌پردازند و به‌سرعت و سهولت به شکار نونهالانی روی می‌آورند که از ابتدا و در کانون خانواده که اولین مرکز تربیت و شکل گیری شخصیت سالم و پاک می‌باشد تحت نظارت و پرورش صحیح قرار نگرفته‌اند.

نظام تربیتی اسلام مسئولیت محوری «پدران» را در تربیت اخلاقی و معنوی کودکان و نوجوانان بسیار زیربنایی می‌داند و با تعابیر ژرف و آگاهی بخش این مهم را به صورت یک شناخت و بینش ضروری در اذهان وافکار عمومی تثبیت می‌نماید.

# حساسیت تربیت در دوره کودکی

کودکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوره زندگی انسان است. شخصیت انسان و اساس خصوصیت‌های اخلاقی وی در ابتدای کودکی خصوصاً در سنین مقدماتی عمر پی‌ریزی می‌شود. علاقه زیاد به یادگیری و انعطاف‌پذیری در مقابل رفتار پدر و مادر و اطرافیان ویژه مرحله خردسالی و قبل از قدم گذاشتن به دبستان است. به همین دلیل، همه معلومات، عادت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی که در این دوره به دست می‌آید، ریشه‌دار و محکم در روح کودک باقی می‌ماند. بنای اصلی شخصیت و چارچوب وجودی او را تشکیل می‌دهد. بر همان اساس شخصیتش شکل می‌گیرد.

بنا بر تحقیقاتی که به‌وسیله دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته، بیش‌تر نابسامانی‌ها و بزهکاری‌های رفتاری در بزرگ‌سالان، نتیجه تربیت غلط و برخورد ناصحیح در دوران اولیه رشد و آغاز سال‌های زندگی است. درواقع، اساس و پایه اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان در دوران هفت سال اوّل زندگی است؛ همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می‌برد.

# تربیت و اخلاق در روایات

پیامبر (ص) در حدیثی فرمودند: « **قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَقَّقْتُ مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَصَادَقُونَ مِنْ أَجْلِي وَ حَقَّقْتُ مَحَبَّتِي لِلَّذِينَ يَتَنَاصَرُونَ مِنْ أَجْلِي ثُمَّ قَالَ ع مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ يُقَدِّمُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ثَلَاثَةَ أَوْلَاد** »[[3]](#footnote-3) محبت من مخصوص کسی است که راست بگوید بخاطر من (رابطه صادقانه بین او ودیگران باشد) و محبت من مخصوص کسی است که دیگران را بخاطر من یاری کند.

ما در ذات خودمان هیچ حقی بر خدا نداریم و هیچ طلبکاری نسبت به ذات اقدس الهی برای ما وجود ندارد. از سوی ما تمام بدهکاری، نیاز و حاجت است و طبیعتاً تمام وجود ما بدهکار به خدا است. مگر، خداوند از لطف و عنایت خود حقی بر خود قرار بدهد و ما را طلبکار کند. خداوند در مواردی این کار را انجام داده است، چون اطاعت و فرمان‌بری ما از خداوند هرچقدر هم در اوج باشد.

فردی معصوم که مطلقاً نقطه‌ای سیاه در پرونده او وجود ندارد و یکپارچه اطاعت از خداوند است، می‌شود او را طلبکار خدا دانست، نه، طبق منطق او طلبکار خداوند نیست. درعین‌حال، گاهی خداوند خودش طلبکاری را برای ما قرار داده است.

در حدیث دیگری پیامبر (ص) می‌فرمایند: **« المُؤمِنُ الّذی یخالِطُ النّاسَ و یصبِرُ عَلی أذاهُم أفضَلُ مِنَ المُؤمِنِ الّذی لا یخالِطُ النّاسَ و لا یصبِرُ عَلی أذاهُم».[[4]](#footnote-4)**

مؤمنی که با مردم ارتباط دارد و ناراحتی آن‌ها را تحمل می‌کند، این برتر از مؤمنی است که رابطه‌اش را با دیگران قطع کرده و تحمل آزار و مشکلات اجتماعی را ندارد.

# جمع‌بندی:

ارتباطات اجتماعی، اصلی اخلاقی میان آحاد جامعه و اعضای خانواده است و هم اصلی تربیتی برای نفوذ در دیگران و هدایت آن‌هاست. این اصل ارتباط از دوره کودکی تا سنین بالا می‌توان به‌عنوان اصل تربیتی موردبررسی قرار داد. منتهی در کودکی بیشتر جنبه عاطفی دارد و در سنین بالاتر این ارتباط باید علاوه بر عاطفی، منطقی و بحث پیدا کند که موجب شکوفایی، سلامت و رشد افراد بشود.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[5]](#footnote-5)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله سمیع علی‌ام من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد الله رب العالمین بار الخلائق اجمعین ثمّ الصلاة والسلام علی سیدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و بعلی بن محمد والحسن بن علی والخلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساست العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیع علی‌ام من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**[[6]](#footnote-6) **عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه تجهّزوا فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فأنّ الخیر زاد التقوی.**

# سید محمد باقر صدر

سید صدر توسط صدام در 19 فروردین 1359 در زندان به همراه شکنجه‌های بسیار فجیع به شهادت رسیدند.  علامه شهید، آیت‌الله سید محمدباقر صدر، یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مسلمان \_ و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» \_ در تاریخ اسلامی به‌ویژه در قرن چهاردهم هجری است.

 در دهه‌های اخیر اگر شخصیت امام خمینی را استثنا کنیم، چند عالم در اعتلای امت اسلام و عزت و رشد علم و دانش شیعه بسیار مؤثر بوده‌اند. مهم‌ترین این‌ها، سید صدر، علامه طباطبایی و شهید مطهری هستند.

# شرح از زندگی شهید صدر

سید محمدباقر صدر در تاریخ 25 ذی‌قعده 1353 در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود و در سال 1400 هـ. ق به شهادت رسیده‌اند. کل عمر مبارک مرحوم صدر 47 سال بوده است. اگر مرحوم صدر به شهادت نمی‌رسیدند، قطعاً بر تمام مراجع و دانشمندان برتری و امتیاز داشت.

اجدادش همه از عالمان دین بودند: پدرش سید حیدر که جوان‌مرگ شد، پدربزرگش ‍ آیة الله العظمی سید اسماعیل صدر که یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرآن چهارده اسلامی بود و در سال 1338 ق. وفات کرد. و دیگر اجدادش که شاخه‌هایی سرسبز و پربار از شجره پربرکت ((خاندان صدر)) و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم علیه‌السلام بوده‌اند و در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین بشمار می‌رفته‌اند.

# استعداد و نبوغ سرشار شهید صدر

سید محمد باقر، از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده‌سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت‌انگیز و استعداد سرشار خدادادی او درخشید و تعجب آموزگاران و همکلاس‌های خود را برانگیخت، به‌طوری‌که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاه‌های اروپا یا آمریکا اعزام کنند و در رشته‌های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد.

او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کار پدرانش گرایش داشت و از طرفی مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او به پول دولت وابسته به غرب و متصدیان خودباخته آموزش‌وپرورش آن روز عراق، درس ‍ بخواند... بالاخره با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیة الله «شیخ محمدرضا آل یاسین» و آیة الله «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس ‍ حوزوی و علوم دینی پرداخت.

تحصیلات علوم دینی را با کتاب ((معالم الاصول)) نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب‌های دوره سطح حوزه را با شور و شوق و تلاش بسیار در مدتی کوتاه خواند و تمام کرد. او علاوه بر تحصیل، دروس ‍ ابتدایی را نیز به خواهرش بنت‌الهدی می‌آموخت و بنت‌الهدی بی‌آنکه به مدارس نامناسب دخترانه آن روز عراق پای بگذارد، نزد برادرش سید محمدباقر و گاه سید اسماعیل، قرآن، ادبیات، تاریخ، حدیث، فقه، اصول و... را آموخت.

ایشان به‌هیچ‌عنوان تقلید نکردند و از ابتدای بلوغ مجتهد بودند. قبل از این‌که به بلوغ برسند، همه مدارج علمی، فقه و اصول را طی کرده بودند. مراجع، استاد او، رسماً نوشتند که تقلید بر تو حرام است. این دامنه گسترده و عمق فکری مرحوم شهید صدر بود که در واقع در سنین پایین 20 سال تمام این فنون و دانش‌ها را فراگرفته بود. و می‌توان ایشان را با بوعلی سینا مقایسه کرد. شهید صدر می‌فرمود: من بعد از 20 سالگی چیزهایی که سابق نوشته بودم، دیدم خیلی با الآن تفاوتی نمی‌کند. این قدرت فکری، نبوغ و استعداد خارق‌العاده که از سنین اول کودکی آشکار شد و شکفته شد و در همان سنین 12 سالگی با خانواده از کاظمین به نجف مهاجرت کردند و وارد حوزه نجف شدند و با 3 الی 4 سال تمام مدارج حوزه را طی کرد.

# شهید صدر در نجف اشرف

در سال 1365 ق. که دوازده‌ساله بود همراه برادرش سید اسماعیل به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر امامت، به تحصیلات عالی بپردازد. او دوره عالی فقه و اصول را در نزد مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خویی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدرضا آل یاسین گذراند. فلسفه اسلامی (اسفار ملاصدرا) را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه‌ای» آموخت. و در کنار آن، طی سال‌ها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیرمسلمان را به‌دقت موردتحقیق و نقد قرار داد. کتاب «فَلسفَتُنا» (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه‌های فلسفی سید محمدباقر صدر است. در دیگر رشته‌های علوم مثل حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سال‌ها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید. سید محمدباقر در طول هفده \_ هیجده سال تحصیل (از آغاز تا پایان) علاوه بر استفاده از هوش و استعداد و نبوغ فوق‌العاده‌اش، روزانه حدود شانزده ساعت به تحصیل و مطالعه و مباحثه و تحقیق می‌پرداخت و خودش نیز همیشه می‌گفته است که من به‌اندازه چند طلبه درسخوان، تلاش می‌کنم. در سایه این پشتکار بود که بر همه مشکلات فائق آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست‌یافت.

ایشان در منطق در بحث استقراء[[7]](#footnote-7) که از مباحث مهم تاریخ فلسفه و منطق است و در دوره بعد از رنسانس در دنیای غرب خیلی موردتوجه است و از بنیادهای تحوّل فکری غرب است. شهید صدر نخستین فقیه مسلمان و فیلسوف شیعی است که در فلسفه علم و روش‌شناسی به تفکر پرداخته است و با آفرینش کتاب کم مانند: (الأسس المنطقیة للاستقراء) راه روشنی را در استواری مبانی منطقی استقراء نشان داده است و با اثبات سستی تئوری‌های علمی صاحب‌نظرانی چون: برتراند راسل جان استوارت میل و کارل ریموند پوپر منطق استقرایی خود را به‌عنوان شیوه نوین تفکّر به کرسی نشانده است.

هیچ‌یک از نقد گران منطق در جهان اسلام درزمینهٔ نقد دلیل استقرایی به گونه شهید صدر عمل‌نکرده است. آنان بیش‌تر به قیاس و تمثیل توجه داشته‌اند نه استقراء ولی شهید صدر به گونه هدفمند به سراغ این روش استدلالی رفته است. منظور اصلی او این است که راه خطا را در این منطق ببندد و روش معرفتی نوینی را در برابر نفوذ روش‌های معرفتی غرب فراهم آورد. روش‌هایی که از آبشخور تمدن ویژه غرب سرچشمه می‌گیرند و هرگز نمی‌توانند استقلال حیات معنوی ویژه مسلمانان را تدارک کنند.

# شهید صدر در مسائل اقتصادی

ازجمله راه‌های ناپیموده‌ای که ایشان با دقت و درستی پیمود و شیوه و روش آن را به دیگران آموخت مسائل اقتصادی اسلام بود. بررسی‌های عالمانه و فقیهانه استاد نقطه عطفی در طرح این‌گونه مباحث گردید و نوآوری‌های بسیاری از ایشان به یادگار ماند که هرکدام به‌نوبه خود پشتوانه‌ای سرشار از فرهنگ گران‌مایه تشیّع به شمار می‌رود. افزون برنوشته‌ها و مقاله‌های پراکنده درباره مباحث و راه‌های اساسی اقتصاد اسلامی از کتاب پرمایه اقتصاددانان باید یاد کرد که پس از گذشت سال‌ها از نگارش آن هنوز همچنان در صدر نوشته‌های اقتصاد اسلامی است و به گفته یکی از شاگردان آن شهید:

(هنوز هم ابعاد ژرف این کتاب حتی در جوامع خود ما شناخته‌نشده است...)

افزون بر این نوشته‌های اقتصادی شهید صدر به‌ویژه (اقتصادنا) آفریننده جریان تفکر اسلامی شد و روزنه‌ای امیدبخش به‌سوی شیفتگان فرهنگ دینی باز کرد و آنان را به مطالعه و جست‌وجوی نوین در منابع دینی واداشت:

(حداقل از زمانی که کتاب (اقتصادنا) توسط شهید سید محمدباقر صدر تألیف و انتشار یافت این انتظار در قاطبه اهل فکر در کشورهای اسلامی پدید آمد که می‌توان براساس (اقتصاد اسلامی) به بررسی مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی پرداخت و برای آن‌ها در وهله اول راه‌حل‌های نظری و درنهایت با تشکیل یک کشور اسلامی سیاست‌های عملی و قابل اتخاذ برای رفع مشکلات اقتصادی به دست آورد.

شهید صدر علاوه بر بعد علمی و نبوغ فکری و آثار بزرگی که از ایشان قرن‌ها باقی خواهد ماند و سطح فکری و علمی تشیع، اسلام و حتی بشریت را بالا برد. علاوه بر آن مدارج اخلاقی، معنوی و عرفانی شگفت‌انگیزی که داشت در عالم سیاست سهیم و آگاه بود. سیاست دنیا را می‌شناخت و در برابر صدام ایستاد و آگاهانه راه شهادت را انتخاب کرد.

# نامه صدام به شهید صدر

نامه صدام یادآور، نامه ابن زیاد به امام حسین (ع) است، حتی همان تعابیر آورده است. و جواب شهید صدر نشان‌دهنده این است که خط سرخ شهادت و دفاع از اسلام، کوتاه آمدن از آرمان‌های اسلام را برگزیده بود.

صدام: شما می‌دانید که اصول حزب ما، در برابر دشمنان خود کوتاه نخواهیم آمد. چرا شما حزب بعث را تحریم کردید، و با دشمنان ما در ایران همبستگی و با رهبر انقلاب اسلامی ارتباط دارید. چرا اندیشه‌ها و افکار حزب بعث را طرد می‌کنید و آن‌ها را محکوم کردید و ما با این موضع شما می‌دانیم که مسیر دشمنی را برگزیده‌اید و می‌دانید که دشمنی با ما معنایش چیست. ما هم‌اکنون به شما پیشنهاد می‌کنیم که این چند نکته را از ما بپذیر، تا در اوج عزت و افتخار قرار بگیرید. از تو می‌خواهیم، تحریم حزب بعث را برداری و روابط خودت را ایران و انقلاب اسلامی قطع کنید و حکومت ایران را محکوم کنید. یا حداقل از این به بعد موضعی علیه ما در این جنگ نداشته باشید.

شهید صدر: من تصمیم بر شهادت گرفته‌ام، بارها شما را موعظه کردم، نپذیرفتید، مواعظ من در شما سودی نبخشید، تأثیر معکوس داد چرا که قلب‌های شما سیاه و تاریک است. دل‌های شما از حرام پر شده و چشمانتان از دیدن حقیقت نابیناست. شما مانند چوب‌های خشکی شدید که امکان راست کردن آن‌ها وجود ندارد. مانند صخره‌های بی گوشی هستید که بر حقیقت بسته‌شده است. شما بندگان طاغوت هستید. آیا مرا با مرگ می‌ترسانید، به خدا قسم از مرگ نمی‌ترسم. آیا مرگ به دست شما ظالمان جز کرامت و بزرگی برای بندگان خداست، من آمده‌ام.

1. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . الحشر آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد [نسخه خطی] زین الدین بن علی العاملی شهید ثانی، زین‌الدین‌بن علی [↑](#footnote-ref-3)
4. . نهج الفصاحه، حدیث 3108 [↑](#footnote-ref-4)
5. . العصر. [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل‌عمران 102 [↑](#footnote-ref-6)
7. . استقراء در اصطلاح ارباب منطق عبارت است از اثبات حکمی در مورد یک کلّی به دلیل ثبوت آن در جزئیات آن کلّی; مثلاً ما با دیدن انبساط آهن مس و نقره در حرارت حکم انبساط را روی همه فلزها برده و می گوییم: همه فلزه در اثر حرارت منبسط می‌شوند. این استدلال یک استدلال استقرایی است. [↑](#footnote-ref-7)